

دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی

محمود کتابی*، محمد گنجی**، یعقوب احمدی** و رضا معصومی***

*گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

**دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

***کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علمی - کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان

چکیده

در عصر حاضر که تمامی کشورها برای رسیدن به ثبات و ارتقای خود می‌کوشند، تردیدی نیست که توسعه به عنوان یکی از بنیانهای باثبات، در برنامه‌ریزی همه کشورها قرار می‌گیرد و مانند فراگردی جامع با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق بوده و به عنوان راهبرد و مدلی متعالی مطرح می‌شود، اما اینکه چگونه این فراگرد در یک جامعه به منصه ظهور می‌رسد، اولین مسأله‌ای است که نیازمند پژوهش و طرح مطالعاتی خاص است و به عنوان دغدغه‌ای اساسی، نگارندگان این نوشتار را بر آن داشته تا به آن پاسخ علمی دهند.

به نظر می‌رسد برای پاسخگویی به سؤال فوق، بایستی به تبیین پیش شرط‌های اساسی توسعه پرداخت که در این راستا سرمایه اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای است. سرمایه اجتماعی عبارت است

از مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌گردد و در نهایت منابع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. این شاخصه‌ای است که به دلیل پیامدهای خرد و کلان خود، چنان با ابعاد توسعه آمیخته گشته که به عنوان عاملی اجتناب‌ناپذیر از ملزومات توسعه محسوب می‌گردد، اما آنچه که به عنوان مسأله دوم مطرح است، این است که چگونه سرمایه اجتماعی با فرایند توسعه مرتبط می‌گردد و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار آن معرفی می‌شود؟

بدیهی است که تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی چند است که یکی از آن عوامل دین و فرهنگ دینی است. به نظر می‌رسد که دین به عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون انضباط بخشی، حیات بخشی، انسجام بخشی و... ساز و کارهایی را موجب می‌شود که در قالب آنها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و پایه‌های تحکیم توسعه فراهم می‌شود. بنابراین، رابطه دین و سرمایه اجتماعی نیز سومین مسأله‌ای است که به دلیل وجود چشم‌انداز دینی توسعه در جامعه کنونی ایران، رابطه دین و سرمایه اجتماعی نیز از منظر تأثیری که دین بر فرآیند توسعه دارد حایز اهمیت است و برای روشن شدن آن شایان بررسی و تحلیل است.

هدف تحقیق حاضر بر اساس بررسی شیوه مطالعات اسنادی و پیمایشی از پایه رهیافتی است که در قالب آن از یک سو دین به عنوان نظامی کثیرالاجزاء از طریق ابعاد متعدد خود (اعتقادی، عاطفی، مناسکی، شناختی و پیامدی) فعلیت سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی نیز چونان پدیده‌ای نیرومند از طریق سطوح ماهوی (ایجاد شبکه‌های اعتماد و پیوند سست و نیرومند کنشگران) و سطوح صوری و پیامدی (انجمن‌های داوطلبانه و هنجارهای دستوری)، زمینه ایجاد توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی پایدار را فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی

۱- روش اسنادی (Documetary method) که در آن به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است.

۲- روش پیمایش (Survey method) که به مطالعه «آنچه که هست» می‌پردازد و در این راستا با تنظیم و ارزیابی پرسشنامه به دانشجویان دانشگاه اصفهان، رابطه بین دینداری و سرمایه اجتماعی آنها سنجیده شده است.

واژه‌های کلیدی: دین، سرمایه اجتماعی، اعتماد، شبکه‌های اعتماد، پیوند، توسعه اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

تغییرات سریع و همه جانبه در عرصه جهانی، سبب جدایی روز به روز میان دو دسته از کشورها به عنوان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته گشته است. توسعه به عنوان واقعیت و هدف غایی و مدلی متعالی همیشه برای جوامع توسعه نیافته خواستنی و مورد مطالبه بوده است. دستیابی به توسعه، نیازمند بررسی راهکارهایی اساسی در جهت نیل به آن است. وجود منابع مختلف در جوامع توسعه نیافته، از زمینه‌های اساسی و مهم برای توسعه محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی به تازگی به مثابه متغیری تأثیرگذار در روند توسعه یافتگی شناخته شده است. سرمایه اجتماعی طبق نظر بسیاری از اندیشمندان به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد و از طریق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌گردد (الوایی / شیرانی (۲)، ۱۳۸۰: ۱). سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروهها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب آن را بکار گیرند، قلمداد می‌شود، و آن مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیلگران اجتماعی برای توصیف طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی به کار برده می‌شود و کمک می‌کند تا به درک این پرسش که چرا برخی افراد گروهها و طبقات مردم به نتایج سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دیگران نایل می‌شوند، پی برده شود. در زمینه شکل‌گیری و تکوین سرمایه اجتماعی، بررسی دین و فرهنگ دینی بیش از هر مورد دیگری مورد نیاز است. دین به عنوان نظامی ماورایی و برون‌زاد می‌تواند به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در کشورهایی مانند ایران که چشم‌انداز دینی توسعه‌ای دارند، در نظر گرفته شود. این مقاله نیز با هدف تعیین روابط علمی و تئوریک بین دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی، به بحث در خصوص موارد فوق می‌پردازد و در این راه از تحقیقات متعدد نیز بهره گرفته شده است.

سرمایه اجتماعی

بحث سرمایه اجتماعی برای نخستین بار قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای از هانی فان^۱ مطرح شد. اما برخلاف اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ که توسط جین جاکوب^۲ در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل دیگری به خود نگرفت (الوایی/شیرانی (۳)، ۱۳۸۰: ۳). جاکوب در این خصوص توضیح داد که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی شهرها صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظم و نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی به کار می‌روند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰). در برهه‌ی زمانی معاصر، اندیشمندان تعاریف گوناگونی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند که هر یک از آنها با توجه به ظرف زمانی و موقعیت مکانی خود، مفهوم‌سازی خاصی ارائه داده‌اند، در پاره‌ای موارد، سوی تشابهات، اختلافاتی نیز در آنها دیده می‌شود که به نظر می‌رسد آن اختلافات، ناشی از حوزه کاربرد این مفهوم باشد که آنها در نظر داشته‌اند. به هر حال در ذیل به بررسی برخی از تعاریف آنها می‌پردازیم:

«لوری»^۳ سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمانهای اجتماعی وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی افراد سودمند است. از نظر او سرمایه اجتماعی به نوبه خود هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴-۴۵۹). «پیر بوردیو»^۴ سه نوع سرمایه را شناسایی کرده است که عبارتند از: شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه که بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تسهیلات عالیه اعضای سازمان که این سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است. که بر ارتباط و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (الوایی/شیرانی (۳)، ۱۳۸۰: ۵). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه‌ی بادوامی

1. Hani fan
2. Jane Jacob
3. Lorry
4. P. Bourdieu

از روابط نهادینه شده‌ی بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

«کلمن»^۱ هم مفهوم سرمایه را از ابعاد مختلف بررسی کرده و برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از آن مفهوم ارائه داده است تا تعریفی ماهوی. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند (الوایی/شیرانی (۳)، ۱۳۸۰: ۶). به عبارت دیگر کلمن معتقد است که مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجرایی کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

«پوتنام»^۲ نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود و طبق نظر وی همین عامل بود که می‌توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد، منبع با ارزشی است از سرمایه که اگر حکومتی به میزان زیادی آن را دارا باشد به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. پوتنام معتقد است که در جوامع مدنی، سازمانهایی از قبیل اتحادیه‌ها، کلیساها و گروههای اجتماعی، از طریق پیوند بین شکافهای اجتماعی تفرقه‌انداز مانند متحد ساختن مردم دارای ارزشها و نگرشهای متفاوت، بهبود بخشیدن خلق و خوهای قلبی، همانند بردباری و رابطه‌ی متقابل و همچنین از طریق مشارکت در ایجاد زیربنای اجتماعی استوار، در ایجاد سرمایه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند (پورموسوی، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

«فوکویاما»^۳ هم پس از ریشه‌یابی مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار جین جاکوب، گلن بوری، جیمز کلمن و رابرت پوتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد: سرمایه اجتماعی را به سادگی

میتوان به عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. از دیدگاه وی یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی خانواده است که با ایفای نقش خود می‌تواند زمینه‌ی پیوند و اعتماد بین افراد را ایجاد کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱).

«آقا داود» (۱۳۸۰) نیز سرمایه اجتماعی را جنبه‌ای از جنبه‌های انسانی می‌داند که در ذات روابط اجتماعی و خانوادگی در یک جامعه وجود دارد و موجب وابستگی متقابل، اعتماد و اطمینان میان افراد می‌شود (آقا داود، ۱۳۸۰: ۴۶). به منظور تسهیل در فهم سرمایه اجتماعی تعاریف فوق را میتوان در جدول زیر بدین گونه خلاصه کرد:

جدول شماره ۱: تعریف سرمایه اجتماعی از نظر اندیشمندان

محققین	محورها	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف	سطح تجزیه و تحلیل
بورديو		منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند	دستیابی به سرمایه اقتصادی	افراد در حالت رقابت با هم
لوری		منابعی که برای رشد شناختی یا اجتماعی افراد سودمند است	دستیابی به تسهیل کنش	روابط خانوادگی
کلمن		جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند	دستیابی به سرمایه انسانی	افراد در گروه‌های فامیلی و اجتماعی (فرد یا گروه)
پوتنام		مفاهیمی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که موجب ایجاد ارتباط با مشارکت اعضا می‌شود	دستیابی به دموکراسی و توسعه اقتصادی	نظام سیاسی در سطح ملی
فوکویاما		مجموعه‌ای از هنجارهای غیر رسمی که موجب همکاری و تعاون اعضا می‌شود	ایجاد پیوند و اعتماد بین افراد	خانواده‌ها با یکدیگر و افراد در خانواده‌ها

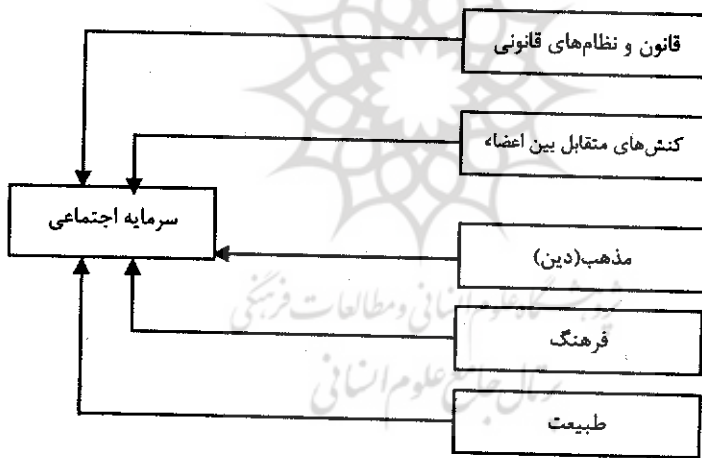
(تلخیص: مولفان)

منابع سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی همانگونه که در تعاریف به آن اشاره شد به رابطه بین کنشگران انسانی مرتبط است. چنین رابطه‌ای دارای منابع متعددی است.

از نظر فوکویاما راههای ایجاد سرمایه اجتماعی عبارتند از:

- ۱- نهادی: از طریق قوانین و نظامهای قانونی
 - ۲- خودجوش: که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آید.
 - ۳- برون‌زاد: که منظور آن است که سرچشمه‌ی هنجارها غیر از همان اجتماعی است که در آن به کار می‌روند، و در این میان نقش دین، ایدئولوژی و فرهنگ بسیار برجسته است. در این جهت وبر نیز به تأثیر دین در ایجاد شبکه‌های اعتماد که وجود آنها برای روابط تجاری و اقتصادی ضروری است اشاره می‌کند.
 - ۴- طبیعت: که بیشترین تأکید آن بر اهمیت نظام‌های خویشاوندی است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۶).
- به‌طور خلاصه میتوان نظر فوکویاما در رابطه با سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی را به صورت نمودار زیر ترسیم نمود:



نمودار شماره یک: منابع سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما

با توجه به اینکه مقاله حاضر، به نقش دین در ایجاد سرمایه اجتماعی، اشاره دارد، لذا از بین عوامل فوق، فقط به نقش مذهب و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی اکتفا می‌کنیم.

نقش دین در تکوین سرمایه اجتماعی

در میان عناصری که در جامعه سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا حتی خود به عنوان سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردند، دین را نباید نادیده انگاشت. همانگونه که در مباحث

قبل اشاره گردید، دین یکی از عوامل سازنده‌ی کارکردهایی است که سرمایه اجتماعی نیز به نوعی آنها را داراست. «افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکابا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی» (الوایی/تقوی، ۱۳۸۰: ۱۳). و حتی به گفته وبر «مذهب می‌تواند شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری باشد» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۳). توجه به نکات فوق چنین می‌نمایند که رابطه‌ی بین نهادهای اجتماعی دین و شبکه‌های ارتباطی افراد، توجه جامعه‌شناسان زیادی را به خود جلب کرده است و پیام‌هایی که آن نهادها به افراد جامعه ارسال می‌دارند و نظام‌هایی که فراهم می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی که ایجاد می‌نمایند، همگی می‌توانند به عنوان منشأ و مبنایی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی عمل کنند.

در این جهت آنچنان که «مایرز»^۱ بیان می‌دارد «دین می‌تواند به گونه‌ای محسوس به بهبود کیفیت روابط خانوادگی کمک نماید و به عنوان عاملی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی، گام بردارد.» (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۱۲) ایوانز نیز بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آنها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مومنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (ایوانز و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۶۵-۱۶۲). همچنین کاندلند^۲ هم از این امر چشم‌پوشی که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هم‌نوعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد (Cand Land, 2000:129-131) و در این جهت دین یک نیروی وحدت‌بخش است و حتی شاید بتوان گفت که خود به عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه قلمداد می‌شود. با توجه به این نکته و به منظور توانایی تطبیق بین کارکردهای دین و سرمایه اجتماعی لازم است که ابتدا تعریف روشنی از دین و دینداری ارایه گردد و سپس به طرح نتایج تحقیقات تئوریک و تجربی برخی اندیشمندان در خصوص پیامدهای مذهب پرداخته شود.

«دین»^۳ در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷: ۴۳)

مذهب، ورع، پاداش (عمید، ۱۳۶۹: ۶۷۳) انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست (جوادی

1. Myers
2. Canland
3. Religion

آملی، ۱۳۷۳: ۹۳) و در اصطلاح عبارت است از: احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء الطبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (حکمت، ۱۳۳۹: ۳). بدیهی است که دین زمانی می‌تواند پیامدها و کارکردهای خاص خود را داشته باشد که همانند هر برنامه‌ای در نقطه‌ای مستقر گردد و عده‌ای را نیز حول خود جمع نماید. در این صورت است که به نظر می‌رسد هم میزان احترام و علاقه‌ی پیروان دین به آن افزایش می‌یابد و هم احکام و دستورات آن دین نقش برجسته‌تری در جامعه خواهد داشت.

تعریف عملیاتی دینداری در این مقاله بر اساس مدل «گلاک و استارک» است. گلاک و استارک (۱۹۹۷) در کتاب *The nature of religious commitment*، اذعان نموده‌اند که با وجود تفاوت‌هایی در ادیان، میتوان وجوه مشترکی را بین آنها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها در حقیقت ابعاد دینداری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی عاطفی و فکری، که در ذیل به توضیح مختصر هر کدام از آنها می‌پردازیم:

الف) بعد اعتقادی یا باور دینی^۱ که عبارت است از ایده‌ها و نگرش‌هایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن اعتقاد داشته باشند همانند اعتقاد به خدا، دوزخ و...

ب) بعد مناسکی^۲ یا اعمال دینی که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را به جا آورند که شامل نماز، روزه و... در مذهب اسلام است.

ج) بعد عاطفی یا تجربی^۳ که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین با وجودی ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است.

د) بعد فکری یا دانش دینی^۴ که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های بنیادی در مورد معتقدات هر دین است.

ه) بعد پیامدی یا آثار دینی^۵ که ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی

روزانه است و به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره است (افشانی، ۱۳۸۰: ۷۹)

1. Ideological believe
2. Ritual
3. Experience
4. Knowledge
5. Consequence

به منظور آشنایی بیشتر با کارکردهای مذهب، در جدول زیر دیدگاه برخی متفکران جامعه‌شناسی دین، ارائه می‌گردد:

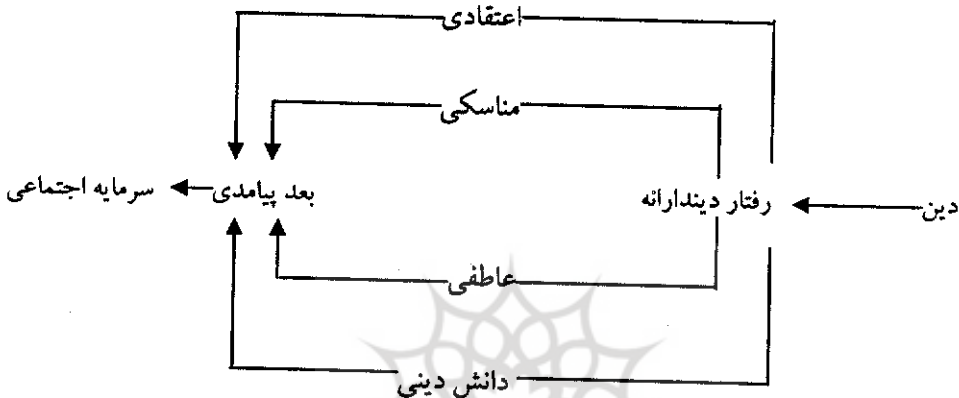
جدول شماره ۲: نظر اندیشمندان درباره‌ی کارکردهای دین

کارکرد مذهب	اندیشمند
تنظیم کننده رفتار فردی-برانگیزاننده‌ی احساس مشترک جهت وحدت اجتماعی-حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی	رابرتسون اسمیت
تقویت احساسات فردی و اجتماعی- حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی- انضباط‌بخشی- حفظ و انتقال میراث اجتماعی گروه و پدید آوردن احساس خوشبختی در مؤمنان	دورکیم
ایجاد و تثبیت نظم اجتماعی- ایجاد وفاق جمعی و مشروعیت‌بخشی به تنظیمات اجتماعی	کنت
تنظیم سامانمند روابط اجتماعی	براون
کار منظم عقلانی و ایجاد تحولات اجتماعی	وبر
ایجاد ارزشهای دایمی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و غایی انسان- وحدت بخشیدن بین انسانها	یینگر
ایجاد ثبات اجتماعی و انطباق فردی	ادی
تشدید دلبستگی افراد به هدفهای گروهی، تقویت عزم افراد به رعایت هنجارهای گروهی، تقویت یگانگی افراد جامعه	دیویس
ایجاد حس جهت فایق آمدن بر تردید و سردرگمی- معنادار ساختن و قابل تحمل نمودن رنج در روحيات بشری	گیرتز
تقویت روابط زن و شوهر	بهریچادویک
سعادت‌بخشی و خوشبخت نمودن خانواده	استنیت و دفرین
ایجاد احساس نزدیکی افراد به پدر و مادر و به طور کلی نزدیکی افراد خانواده نسبت به همدیگر	لاندریس
ایجاد فضای گرم، شاد در خانه و ارتباطی نمودن خانواده	جانسون
تقویت انسجام خانوادگی	بهریچادوین
ایجاد روحیه در افراد جهت اعطای کمک‌های خیرخواهانه	آسلیز
ایجاد ارتباط با شبکه خویشاوندی و خانودگی- ارتباط با سایر هموعان- وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی در رابطه با دیگران	کاندلند
بهبود کیفیت روابط خانواده، خوشبختی خانواده و ایجاد توانایی در اداره امور خانه	میرز
ایجاد جامعه‌پذیری مذهبی در بین جوانان	موتلو
ایجاد هم‌توانی با سایر هموعان- تقویت روابط اجتماعی	ولچ

(تلخیص: مؤلفان)

بر این اساس دین می‌تواند در انسجام‌بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت، تثبیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و... نقش مؤثری ایفا می‌نماید و شاید بتوان رابطه‌ی دین و سرمایه اجتماعی را چنین بیان نمود که پس از مشخص کردن رابطه‌ی دین

و سرمایه اجتماعی این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که دین چگونه و از چه راههایی می‌تواند در ایجاد سرمایه اجتماعی موثر واقع شود؟ در پاسخ به سوال فوق بایستی اشاره کرد که نهادهای مذهبی می‌توانند حداقل با توسل به سه مجموعه از ساز و کارها در ایجاد سرمایه اجتماعی موثر باشند که عبارتند از: (Pearce and Axinn, 1998: 810-828)



نمودار شماره ۲: ابعاد متعدد دینداری و تاثیر آن بر سرمایه اجتماعی

- ۱- نهادهای مذهبی این ایده را تبلیغ می‌کنند که روابط مثبت و حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه امری قابل تحسین و ستودنی است. عقاید مسیحی، اسلامی و سایر ادیان همواره اعضای خود را در خصوص اجرای فریضه‌ی فوق تشویق کرده‌اند و آموزش‌های مذهبی بر پایه موعظی پایه‌ریزی گردیده‌اند که همواره ایجاد پیوند سالم و قابل اطمینان بین افراد را توصیه و تاکید می‌کنند.
- ۲- نهادهای مذهبی از مکانیزم‌هایی استفاده می‌کنند که از آن طریق به حمایت رسمی از افراد و خانواده‌ها می‌پردازند. کلیساها و دیگر سازمان‌های مذهبی بیشتر فعالیت‌های خاصی را برای تقویت تعامل و روابط مثبت میان اعضای جامعه سازماندهی می‌کنند. از یک سو آنها از طریق حضور در مراکز مذهبی، اوقاتی را با هم می‌گذرانند و از سوی دیگر با ایجاد اردوگاههای خانوادگی به ارایه کمک‌های مشورتی، آموزشی، پرورشی و... مبادرت می‌ورزند که فرصت‌های پیوند بین افراد را تقویت می‌کنند. به نظر می‌رسد هر چه افراد از طریق حضور در مراکز عبادی، بیشتر در کنش متقابل با همدیگر قرار بگیرند، رابطه‌شان با همدیگر مثبت‌تر و گرم‌تر خواهد گردید.

۳- سومین مجموعه از مکانیزم‌ها شامل نقش مذهب در ایجاد فروبستگی^۱ در رابطه اجتماعی از طریق متصل کردن دوستان و اعضای خانواده در یک گروه اجتماعی همانند است. یعنی اتصال و همبستگی بین اجزاء و عناصر یک مجموعه و آن چیزی که در این مقاله مد نظر است نقش دین در این اتصال است. به نظر می‌رسد اعضای خانواده‌هایی که در نهادهای مذهبی همانندی شرکت دارند، احتمالاً یک سری روابط اجتماعی با سایر اعضای آن نهاد مذهبی پیدا می‌کنند. «کلمن» عنوان می‌کند که دین فروبستگی شبکه‌های اجتماعی روابط والدین و فرزندان را تقویت می‌کند به طوری که آن روابط اجتماعی را افزایش داده، روابط خویشاوندی مثبت‌تری را نیز بهبود می‌بخشد.

به نظر می‌رسد مکانیسم‌های سه گانه یاد شده، که با حضور در مراکز مذهبی آغاز می‌شوند. در واقع، حضور افراد را در معرض فعالیت‌های اجتماعی قرار داده و آنها را در یکسری روابط اجتماعی وارد می‌کند. علاوه بر حضور فرآیند دیگری نیز در این زمینه مشاهده می‌گردد که به نظر می‌رسد اهمیت بیشتری از حضور، در جهت تقویت روابط افراد، ایفا می‌کند و آن «اهمیت» شخصی افراد به مذهب و عناصر مذهبی است که در نزد برخی اندیشمندان به «هویت-نقش» تعبیر می‌شود. بر اساس نظریه «ویمبرلی»^۲ هر چه نقش مذهبی بودن شخص در سلسله مراتب هویت-نقش او بالاتر باشد یعنی نقشی که بخش مهمی از هویت یک شخص را معین می‌کند، این نقش نفوذ بیشتری بر سایر نقش‌های وی دارد. برای آنهایی که مذهب بخش عمده‌ای از هویت شان را تشکیل می‌دهد، عناصر مذهبی می‌توانند به عنوان یک نظام معنی‌دار در زندگی روزانه‌ی آنها نقش بازی کنند و پیام‌هایی که از سوی آن عناصر صادر می‌گردد، به عنوان راهنمایی در جهت روابط اجتماعی افراد قلمداد می‌گردد، به عنوان مثال «مورگان»^۳ دریافت که میزان بالای اهمیت شخصی مذهب، کنش متقابل دوستانه توأم با حس تعاون و همکاری را در افراد ایجاد می‌کند و کیفیت روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به هر حال، به نظر می‌رسد مذهب چه از طریق «حضور» و چه از طریق «اهمیت» می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه‌ی همکاری و تعاون اجتماعی و... را در افراد ایجاد کند که در ظاهر عناصر فوق از مظاهر و پیامدهای سرمایه‌ی اجتماعی نیز است.

1. Closure
2. Wimberley
3. Morgan

در تحقیقی که در دانشگاه اصفهان با عنوان «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان

دانشگاه اصفهان» انجام شده است سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از پیامدهای دینداری، مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق جامعه آماری ۹۹۷۳ نفر و حجم نمونه ۲۶۸ نفر بوده است. در پژوهش یاد شده پس از کنکاش در خصوص تعریف سرمایه اجتماعی، تعریفی کلی مد نظر قرار گرفته است که بر اساس آن سرمایه اجتماعی عبارت است از: «مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های رسمی و غیررسمی که موجبات تقویت اعتماد، صداقت، پیوند، احترام متقابل، همکاری و وفاق اجتماعی را در میان افراد خانواده، گروه و افراد جامعه فراهم می‌کند». شاخص‌ها و ابعادی که بر اساس آن سرمایه اجتماعی در پژوهش فوق، مشخص گردیده به شرح زیر است:



پس از انجام آزمون در خصوص شاخص‌های فوق در بین دانشجویان، نتایج زیر حاصل شد:

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص‌های سرمایه اجتماعی

بدون جواب	خیلی کم	کم	حد وسط	زیاد	خیلی زیاد	گویه
۱/۵	۱/۹	۴/۵	۲۳/۱	۳۴	۳۵/۱	محبت و سازگاری پدر و مادر نسبت به همدیگر
-	۱/۹	۳	۲۴/۶	۳۷/۷	۳۲/۸	گذشت افراد خانواده هنگام بروز مشکلات
-	۱/۱	۲/۶	۱۲/۳	۳۳/۶	۵۰/۴	دوست داشتن والدین از سوی فرزندان و احترام به آنها
-	۴	۷	۱۴/۹	۳۷/۷	۴۶/۳	اعتماد افراد خانواده نسبت به یکدیگر
-	۲/۶	۴/۹	۲۸	۳۰/۲	۳۴/۳	احساس رضایت و خوشبختی در خانواده
۱/۱	۲/۲	۶	۳۲/۱	۳۳/۶	۲۵	روحیه مشارکت و همکاری در کارها
-	۲/۲	۱۲/۳	۲۹/۵	۳۳/۲	۲۲/۸	توجه به نظم، انضباط و تقسیم کار در خانواده
۷	۳۶/۹	۴۵/۹	۱۰/۸	۴/۱	۱/۵	روحیه تظاهر و ریا در برخورد با دیگران
۷	۳/۴	۹/۳	۳۳/۲	۳۲/۱	۲۴/۳	مشورت و همکاری اعضای خانواده
-	۲۰/۱	۲۵	۳۲/۸	۱۶	۶	اختلاف ارزش‌های فرزندان به والدین
-	۱/۹	۱/۵	۱۹/۴	۵۱/۵	۲۵/۷	احترام و درک خانواده در برخورد با دیگران
-	۴	۱/۵	۱۰/۱	۵۰/۴	۳۶/۹	درستکاری خانواده در برخورد با دیگران
۴	۷	۲/۲	۱۰/۱	۴۸/۱	۳۸/۴	وجود صفت نועدوستی در بین افراد خانواده
۴	۳/۴	۵/۲	۲۲	۴۰/۷	۲۸/۴	امیدواری نسبت به آینده در بین اعضای خانواده
۴	۲۷/۶	۲۹/۵	۲۲/۴	۱۳/۴	۹/۷	اختلاف نظر در مورد موضوعات مذهب در بین اعضای خانواده
۱/۹	۷/۱	۱۱/۲	۲۹/۹	۲۶/۱	۲۳/۹	رابطه‌ی صمیمانه با همسایگان
-	۶/۷	۱۴/۲	۳۵/۴	۲۷/۶	۱۶	اعتماد به خویشاوندان
-	۲/۶	۳/۷	۲۸/۷	۳۸/۸	۲۶/۱	برقراری رابطه صمیمانه با دوستان

(همان منبع؛ ۲۰۳)

بنحوی که پس از رتبه‌بندی، سرمایه اجتماعی دانشجویان چنین ارزیابی گردید:

جدول شماره ۴: رتبه‌بندی دانشجویان از نظر دارا بودن سرمایه اجتماعی

درصد	تعداد	فراوانی
۷۱/۳	۱۹۱	توزیع پاسخگویان بالا
۲۷/۶	۷۴	متوسط
۱/۱	۳	پایین
۱۰۰	۲۶۸	جمع

هنگامی که سرمایه اجتماعی با دینداری دانشجویان (ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی،

شناختی و پیامدی) در رابطه قرار گرفت، نتیجه زیر حاصل گردید:

جدول شماره ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی و دینداری

جمع	متوسط	پایین	بالا	سرمایه اجتماعی / ارزیابی دینداری
(۷/۷)۲	(۴/۴)۱	(۰/۰)۰	(۴/۴)۱	ضعیف
(۲۸/۴)۷۶	(۴/۱)۱۱	(۰/۰)۰	(۲۴/۳)۶۵	فوی
(۷۰/۵)۱۸۹	(۲۲/۸)۶۱	(۱/۱)۳	(۴۶/۶)۱۲۵	متوسط
(۱۰۰/۱)۲۶۷	(۲۷/۶)۷۳	(۱/۱)۳	(۷۳/۳)۱۹۱	

$$rs = /271^{**}; n = 267; P < 0.01$$

$$t = /184^{**}; n = 267; P < 0.01$$

اطلاعات فوق نشان می‌دهد که با ۹۹٪ اطمینان بین دینداری دانشجویان و سرمایه اجتماعی آنها همبستگی وجود دارد بنحوی که جهت این همبستگی مثبت و مستقیم است که با این وجود هر چه بر مذهبی بودن دانشجویان افزوده می‌شود، به تبع آن بر سرمایه اجتماعی آن‌ها نیز افزوده خواهد شد. لازم به توضیح است که این پژوهش محدود به دین اسلام بوده بنحوی که طبق محاسبات یاد شده کیفیت دینداری از نوع اسلامی منجر به تغییر کیفیت سرمایه اجتماعی می‌شود.

سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی^۱

اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لقاف» است. در قالب نظریه‌ی نوسازی، لقاف همان جامعه‌ی سنتی و ارزشهای مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. توسعه، جریان‌های چند بعدی و پیچیده است. در این مقاله دو بعد اجتماعی و فرهنگی توسعه بیشتر مدنظر است. «مفهوم توسعه فرهنگی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد از طرف یونسکو به عنوان یک سازمان فرهنگی، در مباحث توسعه مطرح شده است. توسعه فرهنگی، فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسانها و قابلیت‌ها و باورها، شخصیت ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتار و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است» (از کیا، ۱۳۸۱: ۲۰). «منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت

کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فراینده جامعه منجر می‌شوند» (توسلی، ۱۳۷۳: ۴۳۸).

بین سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی ارتباط مستقیم و مثبتی وجود دارد. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). سرمایه اجتماعی عموماً، کالایی با ارزش است و منافعش برای هر کسی خواه در ایجاد آن سرمایه‌گذاری کرده باشد یا نه در دسترس است (Allan, 2000:162).

برای شناسایی نحوه‌ی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه فرهنگی و اجتماعی باید به دو جهت متفاوت نظر افکنیم: نخست توجه به عناصر متشکله‌ی سرمایه اجتماعی مانند اعتماد^۱، پیوندهای بین کنشگران و... که موجبات تسهیل کنش را فراهم نموده و سبب فراهم نمودن مقدمات توسعه می‌شود، این عرصه با عنوان تأثیرات ماهوی سرمایه اجتماعی مطرح می‌گردد و عرصه دیگر به آثار و کارکردهای صوری سرمایه اجتماعی مربوط است که تشکیل انجمن‌های داوطلبانه، تقویت روحیه‌ی افراد منزوی و درگیر کردن آنها در اجتماع را شامل می‌شود.

سطح ماهوی سرمایه اجتماعی

۱) اعتماد: یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی اعتماد یا شبکه اعتماد است. شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فی‌مابین خود استفاده می‌کنند. از این رو، اعتماد فیما بین نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به اینگونه تبادلات دارد (علوی، ۱۳۸۲: ۱).

نظریه پردازانی نظیر «گیدنز» (۱۹۹۰) بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می‌شوند. اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی^۲ در برگیرنده‌ی آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است، لذا در حالی که کنش‌گر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، می‌تواند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته^۳ نیز دارای ایده‌ها

1. trust

2. abstract

3. generalized others

و باورهای باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره‌ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده‌ی اعتماد به نظام‌های تخصصی^۱ می‌نامد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴). در فرآیند توسعه اجتماعی و فرهنگی اعتماد و میزان آن نزد کنشگران نسبت به یکدیگر و نسبت به نهادها و سازمان‌ها به عنوان عاملی بسیار اساسی عمل می‌کند، به عنوان مثال «ناک و کیفر»^۲ بین توسعه ملی و پاسخ مثبت کنشگران به سؤال ذیل ارتباط مثبتی یافته‌اند: آیا شما می‌گویید که اکثر مردم قابل اعتماد هستند؟ آنها با بررسی آرای کنشگران و پاسخ مثبت آنها به سؤال فوق تأثیر اعتماد را بر توسعه حایز اهمیت فراوانی دانسته‌اند (Knack and Keefer, 1997:1260). به هر حال سرمایه اجتماعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در بردارنده‌ی اعتماد متقابل است، عامل مهمی در تولید بهره‌وری و در نتیجه توسعه اجتماعی است (allen, 2000:162).

۲) پیوندهای گروهی: پیوندهای بین افراد به عنوان دومین جزو سطح ماهوی سرمایه اجتماعی، بیانگر همبستگی بین افراد و یا ارتباط آنها با یکدیگر است. پیوندهای میان افراد را میتوان به دو نوع تقسیم نمود:

الف- پیوندهای نیرومند: شامل دوستی‌ها، روابط خویشاوندی یا همسایگی یا عضویت در انجمن‌ها و گروههای داوطلبانه و نظایر آن است. هر کدام از این پیوندها، دلالت‌هایی بر ذخایر سرمایه اجتماعی دارند، پیوندهای قوی به واسطه‌ی تأمین ارتباطات، تراوش اطلاعات و حمایت اجتماعی، می‌تواند تقویت‌کننده‌ی سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی شود (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۴).

ب- پیوندهای سست: پیوندهای سست به ارتباط میان آدمها و آشنایانشان اشاره دارد. «گرانوتر» درباره قدرت پیوندهای سست یا اثر آن بر توسعه جوامع بیش از هر اندیشمند دیگری شناخته شده‌تر است. گرانوتر میان «پیوندهای نیرومند» مانند پیوندهای آدمیان و دوستان نزدیکشان (که در بالا به آن اشاره شد) و پیوندهای سست، مانند پیوندهای انسان‌ها و آشنایانشان تمایز قابل می‌شود. وی خاطر نشان می‌کند که جامعه‌شناسان بیشتر گرایش به تأکید بر پیوندهای نیرومند آدمها یا

گروه‌های اجتماعی داشته‌اند و پیوندهای نیرومند را برای توسعه، تعیین کننده می‌دانسته‌اند، حال آنکه برای پیوندهای سست اهمیت جامعه‌شناختی و توسعه‌ای ناچیزی قایل بوده‌اند (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷۷). گرانووتر به عکس نشان داده است که پیوندهای سست نیز می‌توانند در موارد بسیاری و از جمله در مورد توسعه اجتماعی و فرهنگی در جامعه، بسیار مهم باشد، به عنوان مثال، پیوندهای سست میان دو کنشگر می‌تواند به عنوان پلی میان دو گروه که پیوندهای داخلی نیرومند دارند، به کار آید. بدون یک چنین پیوندهای سستی دو گروه ممکن است یکسره از هم جدا باشند. بررسی اثر پیوندهای سست بر توسعه اجتماعی و فرهنگی به نظر می‌رسد که نیاز به تعریف مجدد سرمایه اجتماعی را پیش کشد، تعریفی که هم اعتماد و پیوندهای نیرومند و هم پیوندهای سست را در بر گیرد. بر این اساس میتوان سرمایه اجتماعی را در بر گیرنده‌ی اعتماد متقابل؛ تعامل اجتماعی متقابل گروه‌های اجتماعی و پیوند (نیرومند و سست) بین آنها و احساس هویت جمعی و گروهی دانست.

سطح صوری و پیامدی سرمایه اجتماعی

سطح صوری سرمایه اجتماعی دارای پیامدها و کارکردهایی است که از سویی میزان تأثیر سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند و از سوی دیگر بر اساس آنها میتوان مقدار وجود سرمایه اجتماعی را در افراد، گروهها و جوامع مورد شناسایی قرار داد. به طور کلی میتوان این سطح از سرمایه اجتماعی را به دو دسته زیر تقسیم نمود:

۱) تشکیل و تقویت انجمن‌های داوطلبانه

انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که میتوان انتظار داشت در شرایط وجود سرمایه اجتماعی بالا در جوامع، زمینه‌ی مناسب تری برای تحقق پیدا کنند. انجمن‌های داوطلبانه انواع گوناگون دارند و می‌توانند در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای کارکرد باشند. عضویت در این انجمن‌ها آزادانه و شیوه‌های تنظیم روابط در آنها عمدتاً بر بنیان اقناع و تعهد استوار است و نه بر تحریک و اجبار. انجمن‌های داوطلبانه بر سطوح متفاوت جامعه تأثیرهای متفاوت مختلفی دارند که برخی آثار آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ارایه فرصت اجتماعی به افراد برای عضویت در گروه‌های اجتماعی بیشتر.
- ۲- ارایه فرصت اجتماعی جهت بسط روابط اجتماعی و شبکه شخصی افراد.

۳- ارایه فرصت اجتماعی برای ابراز عقیده و پیشنهاد راه حل در عرصه عمومی.

۴- ارایه فرصت اجتماعی برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۸-۱۰۷)

تأثیر انجمن‌های داوطلبانه فقط به سطح خرد محدود نمی‌شود، این گونه انجمن‌ها در

سطح کلان نیز تأثیر گذارند:

(۱) گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و داوطلبانه‌ی اکثریت مردم در امور اجتماعی.

(۲) تقویت و تعمیم همبستگی اجتماعی.

(۳) تقویت ارزش شیوه افناع در سطح کلان.

(۴) کاهش تراکم قدرت در سطح جامعه.

(۵) تسهیل در نقل و انتقال اطلاعات و کمک به پویایی گروهی.

(۶) جلوگیری از هر گونه خودکامگی و استبداد رأی در سطح جامعه (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰).

بدین ترتیب سرمایه اجتماعی در سطح صوری خود- تشکیل انجمن‌های داوطلبانه- نیز می‌تواند سهم بسیار مهمی در توسعه اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

۲) هنجارهای دستوری سرمایه اجتماعی

هنجارهای دستوری که شکل ویژه‌ی سرمایه اجتماعی را در درون جمع تشکیل می‌دهند، تبعات گوناگونی دارند. بر این اساس، گروه‌ها و به خصوص افراد در زیر ساختار به وجود آمده از هنجارهای دستوری دست به عمل خواهند زد. اگرچه هنجارها خود دارای ضمانت‌های اجرایی هستند؛ به نظر می‌رسد منظور کلمن که مبدع این واژه است، فشار بیشتر هنجارهای دستوری بر کنشگران اجتماعی است. «مهمترین هنجار دستوری، این است که فرد باید منافع شخصی را رها کند و به سود جمع عمل کند و هنجاری از این گونه، که با حمایت اجتماعی، پایگاه، احترام، و پادشاهی دیگر تقویت می‌شود، سرمایه اجتماعی است که ملت‌های جدید را می‌سازد، با وادار کردن اعضای خانواده‌ها به از خودگذشتگی، خانواده‌ها را تقویت می‌کند، توسعه جنبشهای اجتماعی نو پیدا را از گروه کوچکی افراد سرسپرده، درون‌نگر و متقابلاً پاداش دهنده تسهیل می‌کند، و به طور کلی افراد را وادار می‌کند برای منافع عمومی فعالیت کنند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۵). از جمله این ارزش‌ها و هنجارهای دستوری شامل موارد ذیل است:

- ۱) تقویت روحیه گروهی، همکاری، تعاون و رقابت سالم.
- ۲) پذیرش دیدگاههای مخالف و انتقادات مطرح شده.
- ۳) برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد، صداقت و احترام متقابل.
- ۴) وجود حداقل تعارض و خصومت میان افراد.
- ۵) وجود احساس تعهد و التزام در برابر مهر و محبت دیگران.
- ۶) رعایت ارزش‌ها و هنجارها و اصول اخلاقی.
- ۷) پرهیز از هر گونه خودکامگی و استبداد رأی.
- ۸) پرهیز از هر گونه تظاهر و ریا در کنش‌های اجتماعی (رضایی فر، ۱۳۸۰: ۱۳).

با توجه به مطالب فوق میتوان چنین گفت که به طور کلی سرمایه اجتماعی در دو سطح مختلف بر توسعه اجتماعی و فرهنگی مؤثر واقع می‌شود: سطح نخست که همان سطح ماهوی سرمایه اجتماعی است در برگیرنده شبکه‌های اعتماد و روابط ساختاری پیوند دهنده بین افراد است. به نظر می‌رسد این دو عنصر به عنوان مبنای هر نوع برنامه توسعه‌ای باید مدنظر قرار گیرند و سطح دوم همان سطح صوری یا پیامدی سرمایه اجتماعی است که در برگیرنده انجمن‌های داوطلبانه و هنجارهای دستوری است و این گونه تلقی می‌شود که این دو بعد نیز با توسعه فرهنگی و اجتماعی ارتباط مستقیم دارند.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی، ثروت و دارایی نهفته‌ای است که از آمادگی روحی- روانی افراد یک جامعه برای صرف‌نظر کردن از منافع شخصی و درگیر شدن در عمل جمعی پدید می‌آید. سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه است که به صورت بالقوه در تمامی جوامع انسانی وجود دارد و برای شکوفا شدن و به فعلیت درآمدن، نیاز به گرد آمدن عواملی چند و تحقق شرایطی ویژه دارد که به ندرت و دشواری فراهم می‌آید. لیکن چنانچه در هنگامه فوران به موقع مورد شناسایی و امعان‌نظر قرار گیرد و به درستی هدایت شود، قادر خواهد بود موجبات تحولی شگرف و یک توسعه‌ی کیفی را پدید آورد.

سرمایه اجتماعی در حقیقت به آرمان‌های مشترک، وفاق و انسجام اجتماعی، انگیزه‌های قوی برای پیشرفت، کسب افتخارات فزاینده، اعتماد، صداقت و احترام متقابل افراد جامعه نسبت

به همدیگر، رعایت ارزش‌ها و هنجارها و اصول اخلاقی و پرهیز از هر گونه تظاهر و ریا در کنش‌های اجتماعی به منظور کمک به پویایی جامعه و... اطلاق می‌گردد؛ از آنجا که مذهب در شکل ناب و پویای آن نیز به عنوان نیرویی تلقی می‌شود که در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند، به نظر می‌رسد تغییر در کیفیت آن به تغییر در سطح برخورداری از سرمایه اجتماعی نیز منجر شود. به عبارت دیگر با توجه به وجود ارتباط بین مذهب و سرمایه اجتماعی شاید بتوان این اصل را تدوین نمود که:

هر چه افراد یک جامعه مذهبی‌تر باشند به همان نسبت سرمایه اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت.

همچنین با توجه به توضیحات قبل در خصوص سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی در روند مقاله، میتوان بر این اصل نیز تأکید نمود که بین سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگی اجتماعی نیز ارتباط مستقیم و مثبتی وجود دارد و یا به عبارت دیگر:

هر چه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد توسعه فرهنگی و اجتماعی نیز به تبع آن بیشتر شکل خواهد گرفت.

این رابطه می‌تواند بدین صورت نیز تدوین شود که در یک جامعه مذهبی وجود سرمایه اجتماعی بالا به عنوان دارایی بالقوه‌ای است که از طریق سطوح ماهوی (اعتماد، پیوندهای سست و نیرومند کنشگران) و سطوح پیامدی (انجمن‌های داوطلبانه، هنجارهای دستوری) و در کنار سایر سرمایه‌ها همانند سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی می‌تواند عاملی مؤثر بر توسعه اجتماعی فرهنگی تلقی شود.

منابع

- ۱- از کیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه تهران، مؤسسه نشر، ۱۳۷۷.
- ۲- جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، تهران، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۳.
- ۳- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۵.
- ۴- حکمت، علی اصغر، نه گفتار در تاریخ ادیان، ج ۱، شیراز، نشر اتحادیه مطبوعاتی، ۱۳۳۹.
- ۵- ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن تلاشی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

- ۶- فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، مترجم غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۷- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۸- بوردیو، پیر، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰.

9. Allan, A. (2000). Affinity, As social capital its role in development, *Journal of Socio-Economics*, 29.
10. Candland, Christophen. (2000). Religion and community in southern Asia, Kluwer Academic Publishers, vol 33.
11. Knack, S, & Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation. *Quarterly J Econ*.
12. Frank, R. (1985). *Choosing the Right Pond*. Oxford University Press.
13. Fukuyama, F. (1995). *Trust*. New York: Free Press.
14. Levine, D. (1997). *Modeling altruism and spitefulness in experiments*. Unpublished paper, Department of Economics, University of California, Los Angeles.
15. Lowenstein, G, Thompson, L & Baserman, M. (1989). Social utility and decision making in interpersonal contexts. *J Personality Social Psychology*, 57.
16. Pearce, Lisardf, Axinn, Wilian, G. (1998). The impact of religious life on the quality of mother child relation, *American sociological review*, 63.
17. Woolcock, M. (1997). Social capital and economic development: towards a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society*, 32.

مقالات

- ۱- آقا داود، سید رسول، « روابط عمومی و سرمایه اجتماعی »، نشر هتر هفتم، شماره ۲۴، زمستان، ۱۳۸۰.
- ۲- الوانی، سید مهدی و شیروانی، علیرضا، « اصلاحات اداری و سرمایه اجتماعی »، نشریه آبادی، پاییز، ۱۳۸۰.
- ۳- الوانی، سید مهدی و شیروانی، علیرضا، « سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها »، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰.
- ۴- ایمانی جاجرمی، حسین، « سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری »، نشریه مدیریت شهری، ش ۱۶، پاییز، ۱۳۸۰.
- ۵- ایوانز و دیگران، تی دیوید، « بررسی مجدد رابطه دین و جرم »، ترجمه علی سلیمی، ش ۲۳، ۱۳۸۰.
- ۶- پور موسوی، فتح...، « جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی »، مجله راهبرد، ش ۲۶، زمستان، ۱۳۸۱.

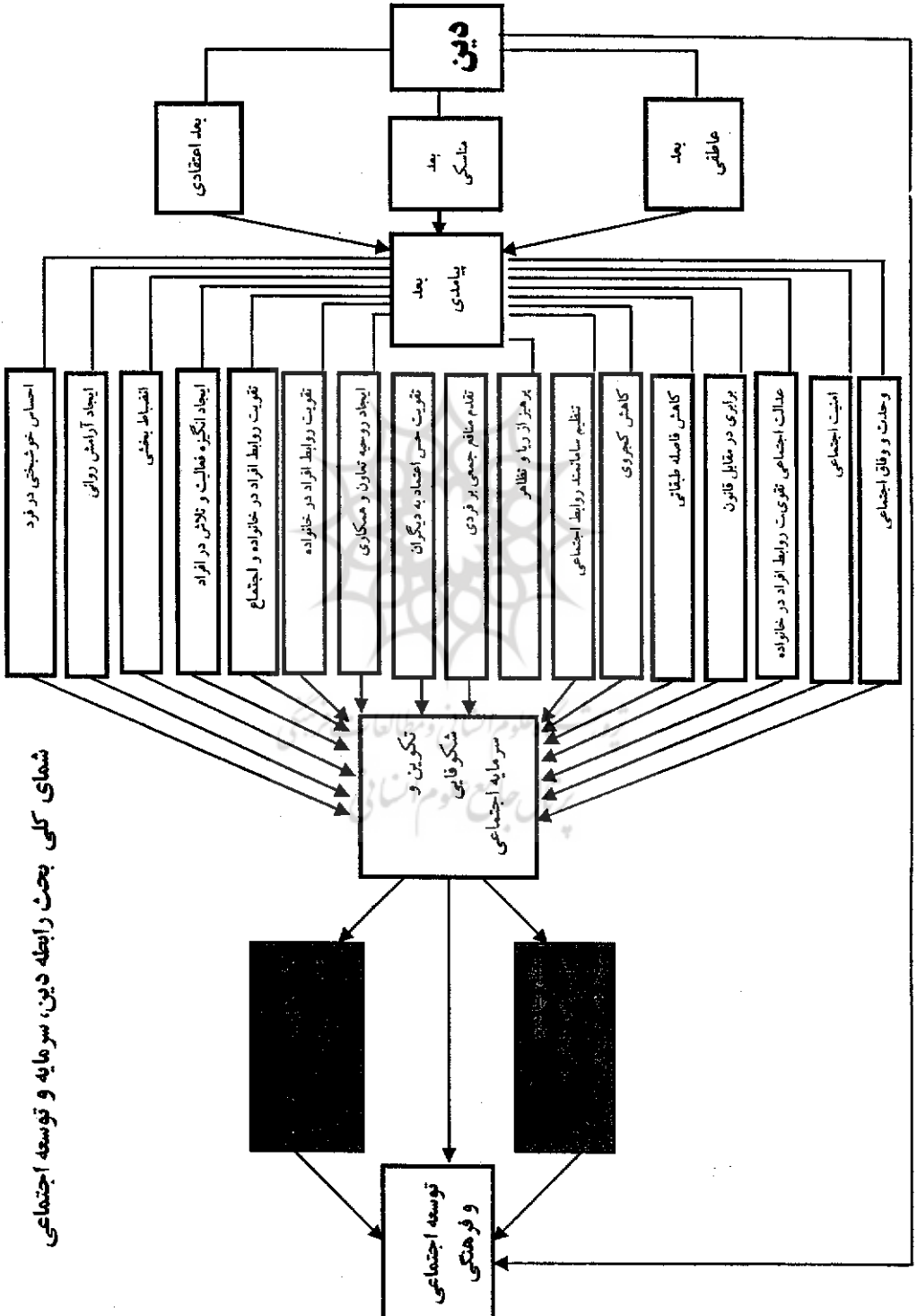
دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی... ۱۹۱/

- ۷- سراج زاده، سید حسن، «نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران»، نمایه پژوهش، ش ۷-۸، پاییز و زمستان، ۱۳۷۷.
- ۸- رضایی فر، حمید، سرمایه اجتماعی، نشریه خراسان، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۰.
- ۹- رنایی، محسن، «تناسب در اقتدار»، ماهنامه آفتاب، ش ۱۹، مهر، ۱۳۸۱.
- ۱۰- شارع پور، محمود، «بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۳۶، ۱۳۷۹.
- ۱۱- شارع پور، محمود، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، انجمن جامعه شناسی ایران، ش ۳، ۱۳۸۰.
- ۱۲- موسوی بازرگانی، سید جلال، «سرمایه اجتماعی و کار آفرینی»، ماهنامه آفتاب، ش ۲۴، فروردین، ۱۳۸۲.

پایان نامه ها

- ۱- افشانی، سید علی رضا، «بررسی چگونگی تساهل سیاسی در شکل های دانشجویی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱.
- ۲- انوری، حمیدرضا، «پژوهشی راجع به تقدیرگرایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲.
- ۳- حشمت یغمایی، محمد تقی، «دینداری نوجوانان و عوامل موثر بر آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- ۴- گنجی، محمد، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شمای کلی بحث رابطه دین، سرمایه و توسعه اجتماعی